

کارنامه منصوره اتحادیه



نویسنده: الهام ملک زاده

نشریه آزادی اندیشه، شماره ۷، تیر ۹۸، صفحه ۳۸۳ تا ۳۹۷

دانلود نسخه پی دی اف



آزادی اندیشه: در این بزرگداشت الهام ملک زاده نخست به بررسی کارنامه‌ی منصوره اتحادیه می‌پردازد و سپس متن گفت‌وگوی کوتاه با ایشان می‌آید.

هر جامعه‌ای احتیاج به دانستن تاریخ دارد تا ارتباطش را با گذشته خود و با سایر جوامع و فرهنگ‌ها (بشناسد. از این جهت باید گفت که تاریخ کاربرد بااهمیتی دارد (منصوره اتحادیه)

منصوره اتحادیه در ۸ اسفند ۱۳۱۲ شمسی در خانواده‌ای که از طرف پدر به تجار آذربایجان و از طرف مادر به خاندان قاجار می‌رسید، در تهران به دنیا آمد. کودکی‌اش مصادف با سال‌های سخت جنگ جهانی دوم و اشغال ایران بود. در آن سال‌ها با معلم سرخانه، تحصیل را ادامه داد و در مدرسه‌هایی چون کیهان، ژاندارک و انوشیروان دادگر درس خواند.

برای تحصیل در دوره متوسطه به انگلستان رفت و برای ادامه‌ی تحصیلات عالی دانشگاهی رشته‌ی تاریخ

را انتخاب کرد و تحصیلات خود را در اسکاتلند سپری کرد و در سال 1335 موفق به اخذ درجه‌ی فوق لیسانس از دانشگاه ادینبورگ شد. اتحادیه بعد از بازگشت به ایران در دانشگاه تهران با سمت مربی استخدام شد.

در سال‌های 1356 تا 1359 برای گذراندن دوره‌ی دکتری عازم اسکاتلند شد و از دانشگاه ادینبورگ موفق به دریافت دکترای تاریخ شد و رساله‌ی دکترای خود را درباره‌ی «احزاب سیاسی در دوره‌ی مشروطیت» به رشته تحریر درآورد.

در تقسیم فعالیت‌های علمی و پژوهشی دکتر منصوره اتحادیه می‌توان سه نقطه‌عطف یافت که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌شود:

اولین نقطه عطف زندگانی علمی دکتر منصوره اتحادیه به سال‌های بعد از انقلاب اسلامی در ایران و - اتمام تحصیلات دکترای وی بازمی‌گردد که در کسوت استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران وارد عرصه‌ی کار شد. چنان‌که اشاره شد، منصوره اتحادیه، در سال 1358 پس از اخذ مدرک دکتری به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران واحدهای درسی مختلفی از جمله تاریخ قاجاریه، جنبش‌های یک‌صد ساله‌ی اخیر و تاریخ خاورمیانه را تدریس کرد. در ایام تدریس نیز در سبک کاری خود الگویی را دنبال می‌کرد که موجب پرورش نسلی از دانشجویان مشتاق گردید که اغلب باتکیه بر همین روش توانستند امروزه به محققانی دقیق و پیرو سبک دکتر اتحادیه بدل شوند. عملی شدن این سبک کاری، علاوه بر اینکه در تمام دروسی که تدریس می‌کردند دنبال می‌شد، به‌طور جدی‌تر و عملیاتی‌تری در تدریس واحد درسی روش تحقیق انجام می‌یافت. اتحادیه با توجه به علاقه‌ای که به آموزش تاریخ به دانشجویان داشت، در درس روش تحقیق تنها به ساعت‌های حضور در کلاس اکتفا نمی‌کرد و در ساعت‌های غیردرسی نیز دانشجویان را پذیرا بود. تاکید ایشان در تدریس بر روش تحقیق بود و اعتقاد داشت که روش تحقیق آشنایی با روش تحقیق در رشته‌ی تاریخ اهمیت زیادی دارد. برای تعمیق در تاریخ و اثرگذار بودن یافته‌های تاریخی، به مطالعه و مطالعه تأکید داشت و حاصل این مطالعه را استفاده از قدرت نگارش مبتنی بر رعایت روش تحقیق و تکیه بر تدوین علمی داده‌های تاریخی می‌دانست. نتیجه‌ی رعایت این الگو، خلق مطالبی مستند به منابع و مدارک تاریخی و ارتقای تفکر دانشجو می‌شد که دانشجویان علاقمند را در تکمیل و آرایه‌ی تحقیقات خود رهنمون می‌شد.

دومین نقطه‌عطف کارنامه‌ی علمی دکتر منصوره اتحادیه به سال‌های پس از بازنشستگی وی - بازمی‌گردد. در سال 1378 و پس از سه دهه تدریس و تحقیق و پژوهش در کسوت دانشیاری گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بازنشسته شد. با توجه به علاقه‌ای که به حوزه تاریخ داشت، در سال 1362 با تأسیس دفتر «نشر تاریخ ایران»، به فعالیت‌های علمی و تاریخی خود رنگ‌وروی تازه‌ای بخشید و ضمن تداوم سنت تحقیقاتی خود، اینک به عنوان یکی از نخستین ناشران زن در ایران، در حوزه‌ی نشر کتب تاریخی نیز گام نهاد. کاری که ابتدا با هدف انتشار اسناد خانوادگی و با همت تعدادی از اعضای خانواده‌های فرمانفرما، نظام مافی و سایر فامیل از بازماندگان خانواده‌های قاجاری آغاز شد. این اسناد در واقع آرشیوی عظیم از اسناد خانوادگی و گنجینه‌ای از موضوعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی سال‌های حکومت‌داری ایشان را شامل می‌شد. حاصل این همکاری تنظیم، تدوین و انتشار کتاب‌ها و مجموعه‌هایی است که از آن جمله اسناد حسینقلی‌خان نظام‌السلطنه مافی، تاریخ غفاری با همکاری

سیروس سعدوندیان، گزیده‌ای از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما با همکاری سیروس سعدوندیان، نامه‌های یوسف مغیث السلطنه، سیاق معیشت در عصر قاجاریه و بود.

در ادامه‌ی این فعالیت درحالی‌که اینک جز ایشان فرد دیگری در نشر باقی نمانده بود که همچنان در تداوم این مسیر اصرار داشته باشد، نه تنها مجموعه اسناد خانوادگی، بلکه تألیفات و تحقیقات جدیدی از خودشان و سایر محققان با محور مطالعات دوران قاجار منتشر کردند که می‌توان به آثاری چون: آمار دارالخلافه تهران، اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار، خاطرات تاج‌السلطنه با همکاری سیروس سعدوندیان، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره‌های یکم و دوم مجلس شورای اسلامی) که رساله‌ی دکتری ایشان بود، اینجا طهران است (مجموعه مقالاتی درباره‌ی تهران ۱۳۴۴-۱۲۶۹ ه. ق)، سقوط ساسانیان: فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان، با همکاری دکتر تورج دریایی، فرحناز امیرخانی، روزبه زرین‌کوب و ترجمه‌ی آثاری چون سفرنامه آگوست بن‌تان، ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات (۱۳۲۶-۶۶ ه. ق)، زندگی، زمانه و آثار بی‌هقی و را نام برد.

علاقه‌ی دکتر منصوره اتحادیه به استفاده از اسناد در تحقیقات تاریخی و کاربست اسناد در سبک تاریخ پژوهی خود، به زمان حضور و کار وی در مرکز مطالعات بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه تهران بازمی‌گردد. از آن‌جاکه بعد از اتمام تحصیلات، مدت کوتاهی بی‌کار بود، فرصت مغتنمی به دست آورد تا با اسناد بی‌نظیر آرشیو وزارت امور خارجه انگلیس آشنا شود. اسناد و مدارک این آرشیو، از نخستین ارتباط ایران و انگلیس و پس از آن تشکیل می‌شد. ضمن این‌که امکان دسترسی به اسناد خانوادگی، موقعیت خاص و بدیعی به شمار می‌رفت که موجب شد دکتر اتحادیه از محتوای بی‌نظیر و منحصر به فرد این اسناد مطلع شود و هر روز اشتیاق استفاده از اسناد مذکور جهت انتقال اطلاعات و محتوای آن‌ها به سایر محققان در وجود ایشان بیشتر شود. هر سند به منزله‌ی کشف جدیدی در حوزه‌ی تاریخ معاصر ایران و وقایعی به شمار می‌آمد که تا آن زمان در خصوص بسیاری از آن‌ها مطالبی را شنیده یا خوانده بود که اینک با اصل روایت مربوط به آن مطالب روبه‌رو بود. چنان‌که گفته شد، با تأسیس نشر تاریخ ایران، این فرصت فراهم شد که این بار نه فقط به‌عنوان محقق به اسناد تاریخی توجه داشته باشد، که اینک اساس فعالیت‌های علمی وی بر پایه‌ی انتشار این اسناد گذاشته شده بود.

درحالی‌که منصوره اتحادیه به‌عنوان یک مورخ و ناشر به تألیف و نشر آثار تاریخی اهتمام دارد و تاکنون نیز بدین کار اشتغال دارد، وجه دیگری از روش و منش علمی وی در این انتشارات، توجه‌ی ویژه به رساله‌های فارغ التحصیلان دوره‌های فوق لیسانس و دکتری است.

در واقع نوقلمانی که از یک‌سو دستاورد مطالعات و تحقیقات‌شان می‌تواند از بدیع‌ترین و تازه‌ترین اطلاعات تاریخی مشحون باشد، از سویی دیگر به دلیل همین گمنامی و نو قلمی، در بازار نشر خریداری برای حاصل تحقیقات خود نمی‌یابند. دکتر منصوره اتحادیه در این شرایط با شناسایی این رساله‌ها و تشخیص درست از نتایج این رسالات، طی سال‌های گشته نه‌تنها این فرصت را به‌عنوان یکی از موقعیت‌های نادر برای مؤلفان جوان فراهم آورده است، موجب گردیده در تشویقی که از این آثار شده، تداوم تلاش محققان نوپای تاریخ معاصر ایران و تربیت نسل جدیدی از علاقمندان به تاریخ و تاریخ

نگاری را عملی کند. در واقع سال‌ها پس از بازنشستگی از دانشگاه و فاصله گرفتن از تدریس، در نوعی دیگر به تربیت نسلی از صاحبان قلم اهتمام ورزیده است.

سومین نقطه عطف در کارنامه‌ی دکتر منصوره اتحادیه را می‌توان در رویکرد وی نسبت به مطالعات ی زنان و کنشگری وی به‌عنوان یک زن مورخ جستجو کرد. از یک سو، منصوره اتحادیه تاریخی در حوزه در حوزه‌ی زنان یا خود آثاری را در قالب رمان، و تألیف زندگی‌نامه و عملکرد زنان در دوران معاصر منتشر نموده؛ از سویی دیگر به انتشار آثار زنان دیگر با محور مطالعات زنان اقدام کرده است. از آن جمله: دو رمان به‌قلم خودش با نام‌های زندگی باید کرد، زندگی خالی نیست و انتشار حکایت یک زن از زیرویم روزگار (زندگی‌نامه عزت‌السلطنه نظام مافی (فرمانفرمایان)، زنانی که زیر مقنعه کلاه‌داری کردند که باتوجه به اسناد و مکاتباتی که از ایشان برجای مانده تألیف شده‌اند. همچنین خاطرات تاج السلطنه، خشونت مشفقانه (روایتی از مردسالاری دوران ناصری از روح انگیز کراچی)، سفر دانه به گل (از مریم عاملی رضایی)، و ... را می‌توان نام برد.

در واقع دفتر نشر تاریخ ایران، یکی از اصلی‌ترین مراکز پژوهشی و انتشاراتی فعال در ایران است که بیشترین مخاطبانش را دانشجویان، استادان، محققان و پژوهشگران زن تشکیل می‌دهند. تا آنجا که سنت تعلیمی و آموزشی دکتر منصوره اتحادیه به تشویق و انتشار آثار و رساله‌های دانشجویی و باتوجهی بیشتر به آثار دختران و زنان پژوهشگر، باید از حضور همیشگی تعدادی از دختران جوان دانشجوی رشته‌ی تاریخ در سطوح عالی‌ه فوق‌لیسانس و دکتری یاد کرد که اغلب برای سال‌ها در دفتر نشر به انجام کارهای پژوهشی اعم از بررسی منابع و کتب تاریخی در قالب فیش برداری، تایپ، نمونه‌خوانی تا سندخوانی و سیاق‌خوانی پرداخته و به‌طور عملی به تمام مراحل یک کار تحقیقی از ابتدا تا زمانی که به صورت یک کتاب کامل از انتشارات خارج می‌شود می‌پردازند و به‌طور کامل تمام فنون مرتبط با تحقیق، نگارش و انتشار کتب تاریخی را می‌آموزند.

در واقع نقطه عطف سوم کارنامه‌ی دکتر منصوره اتحادیه، ترکیب سنت علمی با سنت عملی یک محقق تاریخ نگار است که همچنان به کار خود ادامه می‌دهد و الگوی مختص به خود را عینیت بخشیده است.

گپ و گفتی با دکتر منصوره اتحادیه

بیش از 25 سال است که با آثار دکتر منصوره اتحادیه مأنوسم و از حدود 18 سال پیش، این شانس را داشته‌ام که شاگردی‌شان را نیز با افتخار داشته باشم. هربار دیدارشان نیز برایم همراه با فهم دانسته‌هایی است که بعضاً فراتر از آموزه‌های تاریخی، همراه با تجربیات ارزشمندی است که در عمر گرانقدرشان اندوخته‌اند و اینک به‌عنوان روش و منش صحیح زندگی، تلاش می‌کنم که بیاموزم و به‌کار ببندم.

بزرگی و بزرگ‌منشی ذاتی که در کلام و رفتار دکتر منصوره اتحادیه، ساختمان شماره 110 خیابان فلسطین را مأوای عالمانه هر جوینده‌ی تاریخ قاجار و پهلوی نموده و پاسخ بسیاری از سئوالات و سرنخ‌های تاریخی این دوران را دفتر صمیمی و پررونق نشر تاریخ ایران قرار داده است. به‌جرات می‌توان گفت اکثر افرادی که در خصوص این دوران کار کرده‌اند، حداقل یک بار برای یافتن پاسخ سئوالات خود، یا دریافت منابع کتابی یا آشنایی با خانواده‌های مؤثر در تاریخ معاصر ایران، یا استفاده از آثار

ایشان، به نشر تاریخ ایران مراجعه کرده‌اند و با چهره‌ی گشاده و دل دریایی دکتر اتحادیه روبرو شده‌اند.

محفل انس بی‌ریایی که عملاً به‌مثابه یک آکادمی علمی علاوه بر تولید کتب تخصصی، محل تبادل اطلاعات علمی و تاریخی، برگزاری نشست‌ها و سخنرانی‌های ارزشمند، تکریم صاحبان تألیف و به ویژه نومؤلفانی که با سیاست تشویق ایشان در قدم نهادن به عرصه‌ی تاریخ نگاری و تاریخ ورزی، نشر تاریخ به چاپ آثارشان مبادرت ورزیده، همه و همه در ساختمان شماره 110 و با مهر مادرانه‌ی دکتر اتحادیه طی همه سال‌های گذشته میسر شده و همچنان چراغش روشن و دل دوستدارانش نیز روشن مانده است.

نوشتار ذیل حاصل مجموعه‌ای از پرسش و پاسخ‌های من و خانم دکتر اتحادیه است، در مروری بر زندگی و زمانه و کارنامه‌ی علمی ایشان. گپ و گفتی ساده که تلاش دارد به انتقال آراء و نظراتشان در خصوص مباحث مورد علاقه علمی و تحلیل‌هایی که دکتر اتحادیه به مسائل و موضوعات مورد پرسش این گپ و گفت دارد ارائه نماید.

س- لطفاً برای آگاهی خوانندگان به ویژه علاقمندانی که خارج از کشور هستند خلاصه‌ای از زندگی خود را بفرمایید:

ج- در 8 اسفند ۱۳۱۲ خورشیدی در خانواده‌ای که از طرف پدر به تجار آذربایجان و از مادر به خاندان قاجار می‌رسید، در تهران به دنیا آمدم. کودکی‌ام مصادف با سال‌های سخت جنگ جهانی دوم و اشغال ایران بود. در آن سال‌ها با معلم سرخانه تحصیل را ادامه دادم و در مدرسه‌هایی چون کیهان، ژاندارک و انوشیروان دادگر درس خواندم.

برای تحصیل در دوره‌ی متوسطه به انگلستان رفتم. برای ادامه‌ی تحصیلات عالی دانشگاهی رشته‌ی تاریخ را انتخاب کردم و تحصیلاتم را در اسکاتلند گذراندم و در سال 1335 موفق به اخذ درج فوق لیسانس از دانشگاه ادینبورگ شدم و به دنبال آن در دانشگاه تهران با سمت مربی استخدام شدم.

در دانشگاه ادینبورگ استادان بسیار خوبی داشتم. استاد پرث متخصص قرن هجدهم تاریخ انگلیس که شاگرد نیمیر بود و از مورخین بزرگ انگلیس به شمار می‌رفت. «الول ساتن» ایران‌شناسی که در این دانشگاه بود، علاقه‌ام به تاریخ را دوچندان کرد. ما علاوه‌بر انگلیسی باید دو زبان دیگر را کار می‌کردیم و من علاوه بر زبان فرانسه، فارسی را انتخاب کردم که ساتن استاد فارسی من بود و ما با هم سعدی و حافظ می‌خواندیم. ساتن از ایران‌شناسانی بود که به ایران علاقه داشت.

در سال‌های 1356 تا 1359 برای گذراندن دوری دکتری عازم اسکاتلند شدم و از دانشگاه ادینبورگ موفق به دریافت دکترای تاریخ شدم و رساله‌ی دکترایم را درباره‌ی «احزاب سیاسی در دوره مشروطیت» به رشته تحریر درآوردم.

در سال 1358 پس از اخذ مدرک دکتری، به ایران بازگشتم و در دانشگاه تهران واحدهای درسی مختلفی از جمله تاریخ قاجاریه، جنبش‌های یک‌صدساله اخیر و تاریخ خاورمیانه را تدریس کردم.

در سال 1378 و پس از سه دهه تحقیق و پژوهش از استادی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بازنشسته شدم.

با توجه به علاقه‌ای که به حوزه‌ی تاریخ داشتم، در سال 1362 با تأسیس دفتر نشر تاریخ ایران، به فعالیت‌های علمی و تاریخی خود ادامه دادم.

س- درباره تألیفات خود توضیح بفرمایید.

ج- نتیجه‌ی سال‌ها تدریس و تحقیق تاریخ من، نگارش کتاب‌ها و مقاله‌هایی است که از آن جمله اسناد حسینقلی‌خان نظام‌السلطنه مافی، تاریخ غفاری با همکاری سیروس سعدوندیان، گزیده‌ای از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما با همکاری سیروس سعدوندیان، نامه‌های یوسف مغیث‌السلطنه، سیاق عشیرت در عصر قاجاریه، آمار دارالخلافه تهران، اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار، خاطرات تاج‌السلطنه با همکاری سیروس سعدوندیان، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، دوره‌های یکم و دوم مجلس شورای اسلامی، شیوه‌ی تاریخ نگاری، اینجا طهران است... مجموعه مقالاتی درباره تهران ۱۳۴۴-۱۳۶۹ ه. ق.، سقوط ساسانیان: فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان، با همکاری دکتر تورج دریایی، فرحناز امیرخانی، روزبه زرین‌کوب و تألیف پیدایش نشر تاریخ و تحول احزاب سیاسی در مجلس سوم و ترجمه‌ی آثاری چون سفرنامه‌ی آگوست بن‌تان، ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات (۱۳۲۶-۶۶ ق.)، زندگی، زمانه و آثار بی‌هقی، صراف‌ی و صراف‌ها منتخبی از اسناد حاج رحیم اتحادیه، زیر پوست شهر، محتشم‌السلطنه و ... است.

س- تاکنون تألیفاتی درباره شخص شما نگاشته شده است، در باره آن‌ها توضیحی می‌دهید؟

ج- تاکنون چند کتاب درباره‌ی من تألیف و گردآوری شده است که نام آن‌ها عبارت است از سایه‌سار مهربانی، ستایش میلاد و کارنامه‌ی دکتر منصوره اتحادیه نظام مافی از مصطفی زمانی‌نیا.

س- منشأ علاقه شما به تاریخ چه بود؟

ج- مادرم بسیار رمان به زبان فرانسه می‌خواند و همین موضوع باعث شد من پیش از زبان فارسی، خواندن به زبان فرانسه را آغاز کنم و چون علاقه به خواندن داشتم و مادرم یک سری کتاب کودک به زبان فرانسه داشت، من مطالعه را با این آثار آغاز کردم، درحالی‌که در آن زمان در ایران اصلاً برای کودکان کتاب وجود نداشت. علاقه‌ی من به تاریخ با همین آثار آغاز شد، چون داستان‌های این کتاب‌ها در فرانسه قرن نوزدهم می‌گذشت و پر از تصاویر و نقاشی‌های جذاب بود و من را با دنیای دیگری آشنا می‌کرد.

عامل دیگری که علاقه‌ام به تاریخ را جدی‌تر کرد رمان‌های الکساندر دوما بود که تاریخ فرانسه را هر چند به شکل رمان، به تصویر می‌کشید. در آن دوران با مطالعه رمان‌های تاریخی به‌ویژه کتاب‌های «الکساندر دوما» علاقه بیشتری به این حوزه در ذهنم شکل گرفت. علاقه به تاریخ را به پدرم مدیون هستم که کتاب‌خانه بزرگی داشت و عادت به مطالعه را نیز از رمان خواندن‌های مادرم دارم.

س- باتوجه به سال‌ها تدریس در دانشگاه تهران، نوع ارتباط شما با دانشجویان رشته تاریخ که در پی یاد گرفتن و تحقیق و تفحص‌اند چگونه است؟

ج- باتوجه به اینکه سه دهه از عمرم را در گروه تاریخ دانشگاه تهران به تدریس این رشته به دانشجویان

پرداختم و بعد از آن نیز تاکنون در دفتر نشر تاریخ ایران با دانشجویان زیادی که علاقه‌مند به فعالیت و کارهای تحقیقی و پژوهشی در رشته تاریخ بوده‌اند، همکاری داشته‌ام، در تمام این سال‌ها سعی کرده‌ام در کنار دانشجویان قرار بگیرم و جنبه‌های مختلف یک موضوع را برایشان تبیین کنم.

می‌توانم بگویم که علاقه‌ای که به تاریخ ایران و مخصوصاً سرنوشت مردم ایران در من وجود داشت سبب شد تا با راه‌اندازی دفتر نشر تاریخ ایران تمام توانم را به‌کار گیرم تا در کنار محققان و دانشجویان علاقه‌مند این رشته، فضایی مناسب برای تحقیق در تاریخ معاصر ایران ایجاد کنیم و در کنار هم به تولید تألیفاتی در این حوزه بپردازیم.

س- آیا شما اعتقاد دارید ایرانی‌ها، حافظه تاریخی ندارند و به همین دلیل است که از اتفاقات تاریخی هم درس نمی‌گیرند؟

ج- به نظر من افراد متفاوت‌اند و زمانه و موقعیت‌ها و اتفاقات نیز متفاوت‌اند. ایران یک موقعیت ژئوپولیتیک دارد که همیشگی است و تغییر نمی‌کند. دریای خزر در شمال است، خلیج فارس در جنوب، غرب ایران ترک‌ها و اعراب هستند، در شرق بلوچ‌ها و افغان‌ها. در شمال، یک وقتی روسیه تزاری بود و یک زمانی شوروی و حالا حدود هشت کشور. این شرایط که تغییر نمی‌کند و این خود از عواملی است که باعث می‌شود بسیاری از مسایل تاریخی تکرار شوند.

س- شما در تاریخ نویسی وارد بعد روان‌شناسی شخصیتی افراد نمی‌شوید، دلیل چیست؟

ج- در تاریخ نویسی از نظر من ورود به بعد روان‌شناسی افراد خیلی علمی نیست و این کار را ورود به مباحث غیرتاریخی می‌دانم و اعتقاد ندارم وارد مباحث غیرتاریخی شوم. بدون اشراف به سایر علوم و دانش‌ها، و صرفاً بهره‌گیری از روبنای مباحث دانش‌های دیگر، جز تخریب ساحت هر دو وجه علم مذکور و دانش تاریخ، نتیجه‌ی دیگری حاصل نشده و کاری عبث و حتی گمراه‌کننده خواهد بود. ضمن این‌که سنت و وظیفه‌ی نگارش تاریخ نیز معیوب و مخدوش شده است.

س- درباره‌ی وظیفه‌ی مورخ در تاریخ‌نویسی درست چه نظری دارید؟

ج- یکی از متفکرین روم «سیسرون» می‌گوید که قانون نخست برای مورخ باید این باشد که جرئت نکند مطلب نادرست بگوید اما این امر کار آسانی نیست و این کار بسیار سخت است. ملاحظات سیاسی، تاریخی و حتی خانوادگی دست تاریخ‌نگار را می‌بندد. تاریخ درباره انسان است و هرچه درباره انسان نوشته شود، تاریخ به‌شمار می‌رود و حیطه‌ی آن بی‌انتهاست. پس از انقلاب توجه‌ی ایرانیان به تاریخ بسیار افزایش یافت اما، نواقصی دارد که گاهی برداشت‌ها نادرست و مغشوش است و همه‌جا دنبال توطئه می‌گردیم و بسیاری اوقات از کارهای جدید اطلاع نداریم. مورخ مسئولیتی در قبال تاریخ دارد اما هر مورخی جهت‌گیری و نگاه خاصی به مسائل دارد و هیچ مورخی به‌طور کامل بی‌طرف نیست. نمی‌توان ادعا کرد تاریخ این‌گونه است تنها می‌توان گفت من این واقعه را این‌گونه دیده‌ام.

در بسیاری از موارد اطلاع نداشتن از کارهای جدید یا نداشتن مطالعه‌ی کافی از جوانب موضوع سبب نویسان ما را مبتلا کرده است، که کلی‌گویی در بیان تاریخی می‌شود و این بیماری است که غالب تاریخ

باید از آن فاصله گرفت.

س- در تاریخ‌نویسی استناد شما به اسناد زیاد است، دلیل توجه و علاقه شما به استفاده از اسناد از کجا نشأت گرفت؟

ج- پس از پایان تحصیل و بازگشت به ایران مدتی در مرکز مطالعات بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه تهران به کار گرفته شدم و نخستین پروژه‌ای که روی آن کار کردم مربوط به کانال سوئز بود و این امر باعث آشنایی‌ام با اسناد بی‌نظیر آرشیو وزارت امور خارجه انگلیس از نخستین ارتباط ایران و انگلیس و پس از آن شد. این موضوع علاقه‌ام به اسناد و پژوهش در این حوزه را چندین برابر کرد. چنان‌که بعد از آن نیز اسناد خانوادگی که در اختیار خانواده بود، سبب نگارش تألیفاتی درباره خانواده‌ی فرمانفرما و نظام مافی شد.

س- پس از سال‌ها تحقیق و مطالعه در حوزه تاریخ معاصر ایران، نظرتان در خصوص ورود ایرانیان به حوزه تدوین تاریخ خود چگونه است؟ آیا ایرانیان در این راه موفق عمل کرده‌اند؟

ج- پس از پایان تحصیلات یکی از مخبرین روزنامه کیهان به علت آشنایی که با من داشت پرسید، حالا تحصیل رشته‌ی تاریخ شدید، آرزوی‌تان چیست؟ من هم پاسخ دادم آرزوی‌ام این است که تاریخ‌که فارغ آید که آرزوی من برآورده‌ایران به دست ایرانیان نوشته شود. امروز پس از حدود 70 سال به نظر می‌های ارزشمندی در مورد تاریخ و شده است و ایرانیان چه در داخل و چه در خارج از کشور کتاب اند، هر چند هنوز راه درازی در پیش رو داریم تا ادوار طولانی این مرز و فرهنگ ایران زمین تألیف کرده ای علمی بازشناسی و تدوین کنیم تعصب و به‌شیوه‌بوم را بی.

س- در بخشی از صحبت‌های خود گفتید که یکی از دلایل علاقه شما به تاریخ، خواندن رمان‌های الکساندر دوما بوده است. رمان چگونه می‌تواند به مورخ در نگارش تاریخ یک دوره و یک موضوع کمک کند؟

ج- رمان نماینده‌ی بسیاری از مسائل روز است. ادبیات اصلاً سند است. سندی که مورخ استفاده می‌کند می‌تواند به قصد تاریخ‌نگاری نوشته نشده باشد. می‌تواند رمان باشد وصیت‌نامه یا وقف‌نامه باشد یا حتی خاطرات یک دختر جوان باشد. الان یک رمان نوشته می‌شود. به این رمان از چند دید می‌توان نگاه کرد اول اینکه به چه سبکی نوشته شده است و دیگر اینکه این اثر نشان دهنده‌ی تفکر یک عهد و زمانه است. سند تاریخی شامل هر چیزی می‌تواند باشد، می‌تواند یک ساختمان یا یک داستان عامیانه باشد. این هنر مورخ است که بتواند از آن استفاده‌ی تاریخی کند.

مورخ باید در جمع‌آوری اسناد ابتکار و آگاهی داشته باشد و این زمانی اتفاق می‌افتد که مورخ مطالعه وسیع داشته باشد و محدود به یک منطقه یا یک نوع منبع یا سند نباشد.

س- از نظر شما ویژگی‌های یک مورخ چگونه باید باشد؟

ج- سال‌ها و قرن‌هاست درباره بی‌طرفی مورخ صحبت شده است. وقتی مورخ واقعه‌ای را تشریح می‌کند، باید هم‌زمان آن را تحلیل کند، دلایل وقوع آن اتفاق را ذکر کند و به‌طور کلی همه جوانب را در

نظر بگیرد. مورخان در تاریخ هزاران مسئله را مطرح می‌کنند، بنابراین بی‌طرفی در تاریخ بی‌معنا است. دیدگاه من به‌عنوان یک مورخ ایرانی که تاریخ ایران را می‌نویسم، قطعاً فرق دارد با نگاه مورخی انگلیسی که درباره‌ی تاریخ ایران کار می‌کند. مورخ باید منصف و عالم باشد. مورخ دلایلی می‌آورد، این دلایل باید محکم باشد و روی آن بحث شود. اتفاقی دویست سال پیش افتاده و ما اطلاعاتی از آن زمان داریم، صد سال بعد تفسیرهای دیگری از آن اتفاق نوشته شده، ۵۰ سال بعد تفسیرها تغییر کردند و وقتی من بعد از ۱۰۰ سال بعد تفسیرها را دویست سال آن را می‌خوانم تا درباره‌ی آن واقعه نظر دهم و آن را تحلیل کنم. باید همه در نظر بگیرم و این کار آسانی نیست و نیازمند تفکر است.

س- درباره‌ی ورود به حوزه تاریخ‌نویسی اجتماعی بفرمایید؟

ج- در حال حاضر تقریباً تاریخ‌نویسی سیاسی را کنار گذاشته‌ام و بیشتر به دلیل اسنادی که در دست دارم بر تاریخ اجتماعی متمرکز شده‌ام. زیرا به‌نظر من تاریخ اجتماعی ما تقریباً دنیای ناشناخته‌ای است به‌دلیل این‌که هر نقطه‌ی ایران آداب و رسوم و قانون‌های خودش را دارد. ایران از لحاظ فرهنگی، نژادی و مذهبی یک کشور یک‌دست و یک‌پارچه نیست و درک این موضوع برای کاوش درباره‌ی فرهنگ و آداب و رسوم، عقاید و وضع زندگی مردم لازم و ضروری است. این تفاوت‌ها برای شخص من خیلی جاذبه دارد و از مطالعه و بررسی آن لذت می‌برم و حس می‌کنم زندگی گذشتگان را لمس می‌کنم؛ به‌طوری‌که انگار با آن‌ها آشنایی دارم و گرفتاری و مشکلاتشان را درک می‌کنم.

این تاریخ به‌حدی وسیع و متفاوت و متنوع است که یک عمر هم برای شناختن یک گروه یا منطقه‌ی کوچک این جامعه ناکافی است و جاذبه‌ی آن مثل کشفیات می‌ماند، در صورتی‌که تاریخ سیاسی با این‌که خیلی چیزها را هنوز نمی‌دانیم اما چارچوب آن تا اندازه‌ای مشخص و تاحدودی نوشته شده است. از آنجاکه دیوانیان در داخل دولت‌ها نقش داشتند اول تاریخ سیاسی نوشته شده است. تاریخ سیاسی خیلی زیور شده است اما تاریخ اجتماعی اصولاً ناشناخته مانده است.

س- از دیدگاه شما، آیا جزیی‌ترین مباحث زندگی نیز به حوزه‌ی تاریخ اجتماعی مرتبط می‌شود؟

ج- اصولاً هر جنبه‌ی اجتماع می‌تواند تاریخ اجتماعی باشد. حتی اگر هم این موضوع بسیار وسیع و گسترده شود و موضوعات جزئی افراد را هم دربرگیرد، مفید است. برای این‌که ما از این طریق اطلاعات بسیاری به دست می‌آوریم. مثلاً اطلاعاتی از یک منطقه اعم از کشت آن، آب و هوا، نوع محصول و غیره کسب می‌کنیم و آن را کامل می‌شناسیم. من معتقدم حتی زندگی روزمره‌ی خود ما هم، نوعی تاریخ اجتماعی محسوب می‌شود. یعنی اگر خاطرات خود را یادداشت کنیم، روزی به درد فردی یا مورخی از نسل‌های آینده خواهد خورد. همان‌طور که خاطرات افرادی که از زمان‌های گذشته برجای مانده است، اطلاعات مفیدی در حال حاضر به ما می‌دهد، خاطرات و یادداشت‌های ما نیز در آینده چنین خواهد شد؛ زیرا خاطرات، نامه‌ها و یادداشت‌ها نکات خیلی ریز و جالبی به ما می‌دهند که اگر مورخ حرفه‌ای به آن‌ها دسترسی یابد، می‌تواند اطلاعات ارزنده‌ای را از آن‌ها استخراج کند.

س- درباره‌ی ورود و علاقه خود به نگارش و انتشار خاطرات زنان توضیح دهید.

ج- من زیاد در حوزه زنان کار نکرده‌ام اما علاقه به چاپ این نوع کتاب‌ها دارم. مثلاً یکی از آثار چاپ

شده در نشر تاریخ ایران خاطرات تاج‌السلطنه است که زن برجسته‌ای از روزگار ناصری است. البته در این دوره کم و بیش عده‌ای زنان باسواد بوده‌اند ولی از این‌نظرکه خاطرات انتقادی بنویسند و از اوضاع زنان حرف بزنند کمتر توجه شده، به‌همین دلیل این یک کتاب استثنایی است. این اثر چندبار در انتشارات «نشر تاریخ» چاپ و خیلی هم مورد توجه واقع شد.

س- آیا اسنادی که از دوره قاجاریه در خانواده شما باقی مانده است و به دست شما رسیده، سبب علاقه به تاریخ نویسی دوره قاجاریه بود؟

ج- دوره قاجار از نظر من قابل لمس است. عکس‌ها، نامه‌ها نه الزاماً نامه‌های خانوادگی، پوشاک، تابلو، ساختمان هرآنچه به‌جای مانده برای من جالب است. برای من دوره‌ی قاجار ملموس است؛ مثلاً وقتی به کاخ گلستان می‌روید، می‌بینید شاه این‌جا زندگی کرده است و به شعر و موسیقی و پارچه‌ی آن زمان دسترسی دارید. البته در کنار تاریخ ایران دوره‌ی قاجار دوره‌ی تاریخ اروپا را هم کار کردم. عقیده‌ام این است که اگر مثلاً شما در دوره‌ی صفویه کار می‌کنید اروپای همان دوره را هم باید بشناسید چون رابطه با اروپا خیلی در ایران تأثیر داشت. هند را هم اگر بشناسید مهم است چون همسایه بود، همچنین ترکیه. با مطالعه‌ی هم‌زمان کشورهای منطقه مطالب را عمیق‌تر و وسیع‌تر می‌بینید؛ مثلاً خیلی وقت‌ها اتفاقی در ی آن در مصر یا ترکیه رخ داده است، فکر می‌کنید مختص به کشور ایران می‌افتد که اگر ندانید مشابه ماست ولی می‌بینید که در مصر و ترکیه هم همین اتفاق افتاده است. بنابراین من به تاریخ اروپا و کشورهای همجوار هم توجه دارم.

س- درباره‌ی نشر تاریخ ایران بفرمایید؟

نشر تاریخ ایران این خوشبختی را داشته است که علاوه‌بر همکاران خوب، طی سالیان متمادی حیاتش از اسنادی که به دستش رسیده، بهره گرفته است. اولین کتاب نشر تاریخ ایران خاطرات و اسناد حسین السلطنه است که به‌خصوص متکی بر اسنادی خصوصی بود که از طرف نتیجه‌ی ایشان قلی‌خان نظام خانم معصومه مافی به ما سپرده شدند و به‌این‌ترتیب راهمان ادامه پیدا کرد.

س- در انتها اگر صحبت پایانی دارید بفرمایید؟

بعد از ۳۵ سال تحقیق و تالیف متوجه شدم که در این سال‌ها در چه ماجراهای هیجان‌انگیزی حضور داشتم و با چه بزرگانی آشنا شدم. همچنین دانستم که تاریخ ما چه پستی و بلندی‌هایی داشته است.

در واقع در این مدت تاریخ را احساس کردم.

آخرین کلام من این است که بهترین درسی که می‌توان از تاریخ گرفت این است که گذشته را بفهمیم و هرچه بیشتر از گذشته بدانیم به آب و خاکمان بیشتر علاقه‌مند می‌شویم.

عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم تاریخی و مدیر گروه تاریخ فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و *
elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir مطالعات فرهنگی